



معماری خاک سازگار ترین معماری با طبیعت و سرشت انسان است.

Clay architecture is adaptability with human natural

یداله احمدی دیسفانی

Yadolah Ahmady Disfai

کارشناسی ارشد معماری و دانشجوی دوره دکتری دانشکده معماری

واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

M.S architecture and PHD student IAU branch since and
research

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

IAU RUDEHEN branch teaching staff

زمستان 1384

Winter 2006



معماری خاک سازگار ترین معماری با طبیعت و سرشت انسان است.

یداله احمدی دیسفانی

کارشناسی ارشد معماری و دانشجوی دوره دکتری دانشکده معماری واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

کلید واژه ها: معماری خاک، طبیعت، انسان سنتی، معماری سنتی، سازگاری

چکیده:

کالبد طبیعی انسان از خاک است و طبیعت و سرشت وی برخواسته از خاک است و دوباره به خاک برمی گردد. کالبد معماری خاک نیز مانند کالبد انسان از خاک برخواسته و دوباره به خاک برمی گردد. این تنجاس باعث سازگاری معماری خاک با سرشت آدمی شده است. کالبد ها محل پرورش و اسباب پرورش نفس است و نفوس انسان ها نیز در کالبد طبیعی خود رشد یافته و متعالی می شوند. طبیعت رحم پرورش برای انسان است و معماری نیز به عنوان بخشی از این طبیعت به هم وابسته و پیوسته، به تناسب خود محل رشد و تعالی و پرورش انسان است. سازگاری بین سرشت آدمی و طبیعت بکر دستمایه تهیه این مقاله است. در این مقاله سعی در تبیین این موضوع از دیدگاه سنتی است.

1- انسان از دیدگاه سنتی

انسان در دیدگاه سنتی موجودی است که از جهانی بی بعد و برتر^۱ به جهان دارای بعد و محدودیت و پایین تر^۲ آمده است و موقتا در این جهان زندگی می کند و رشد کرده و باز به جهان برتر باز می گردد^۳. زمین برای او آفریده شده است^۴. و وظیفه آبادانی^۵ آن را دارد. او در زمین طبق وظیفه ای که دارد (مسئول است) در پی ساخت بهترین هاست و از این روی در پی ساخت بهشت است! وصف بهشت چیست؟ بهشت دارای چه صفات و شرایطی است که سعی در ساخت آن دارد؟^۶ او می داند که وابسته و ماندنی در زمین نیست و بخش زمینی او در زمین و بخش آسمانی او به اصل خویش باز خواهد گشت. از این رو دلبستگی ابدی به زمین ندارد^۷ و از آن برای پرورش نفس خویش و تعالی آن سود خواهد جست. او به عمران زمین دست می زند تا راه عمران نفس خویش را ساده تر گرداند. از این رو حتی الامکان راه تعادل را پیش خواهد گرفت تا به عمران دل خویش بیشتر بپردازد. او زمین و طبیعت را مانند رحم می داند که پس از رشد و تکامل دیگر جای او اینجا نیست بیشتر ماندن او در رحم زمین به همان اندازه که در تولد طبیعی او؛ که اجباری است؛ خطر ناک است در تولد دوم او؛ که اختیاری

¹ احسن التقویم

² اسفل السافلین

³ ثم الینا یرجعون

⁴ در ترجمه تفسیر المیزان ج 19 صفحه 59 سطر 21 در باره نشا و معنی آن می خوانیم: نشا به معنی احداث چیزی و تربیت آن است. او از زمین شما را انشا کرد. معنایش اینست که: او بود که شما را در آغاز خلقت تان به حالتی گوناگون متحول کرد، و از مواد و عنصری زمینی تان بگرفت و در آخر به صورت نطفه تان در آورد، در داخل رحم ها وارد کرد.

⁵ هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها

⁶ صفات بهشت در کتابهای آسمانی آمده است. رابطه بین اجزا در بهشت رابطه سلام است از این رو بهشت را دارالسلام نیز گفته اند. پرداختن به این موضوع خود نیاز به یک مقاله بسیار پر کار دارد. تا بتوان این رابطه را توضیح داد. اما اجمالاً در بخشهایی از این مقاله به آن اشاره شده است.

⁷ چون اول خاک و آخر نیز خاکیم چه چندین، بهر خاکی سینه چاکیم؟ گزیده اشعار امیر خسرو دهلوی



است؛^۸ خطر ناک است. اما او برای رشد به رحم طبیعت نیاز دارد. او وظیفه خلیفگی خداوند در زمین را دارد و در این باره نیز مسئول است. او در باره چگونگی عمران زمین و تصرف در طبیعت موظف و مسئول است. او از پیکره طبیعت و زمین جدا نیست چون در یک ابر سامانه یک پارچه^۹ قرار دارد. این سامانه اجزایی دارد. زمین و طبیعت و انسان اجزای این سامانه هستند. اما هدف همه این اجزا یکی است.^{۱۰} در این سامانه تک تک اعضا مهم هستند یکی به نفع دیگری از بین نمی روند بلکه رابطه اجزا رابطه تکمیلی است. اجزا در حال تکمیل یکدیگرند. این در رابطه بین انسانها مورد توجه اندیشمندان^{۱۱} از دوران گذشته تا بحال ادامه داشته و در تعالیم آسمانی نیز مورد تاکید بوده است. اما هدف این مقاله رابطه تک تک انسانها با طبیعت و زمین خاکی و معماری خاکی است. اتحاد بین اجزا در این سامانه مد نظر این مقاله است.

2- رابطه جسم و کالبد و نفس انسان در دیدگاه سنتی

طبیعت در فرهنگ لغت به معنی «سرشت، نهاد، سجه، سرشتی که مردم بر آن آفریده شده، مزاج، فطرت»^{۱۲} آمده است. از این رو طبیعت با نهاد و سرشت آدمی سازگاری دارد. طبق دیدگاه سنتی اسلامی انسان از دو پاره متحد به نام جسم و نفس است. جسم مُرکبِ نفس است و اصالت آن به سبب مُرکب بودن آن است. نفس سوار بر این مرکب است. نفس بدون مرکب خود توانایی عمل ندارد و جسم بدون نفس مرده ای بیش نیست. جسم از طبیعت خاکی است و نفس سرشتی ملکوتی والهی دارد. او به این زمین آمده و باز، باز خواهد گشت، اما نیاز به جسم برای پرورش روح دارد. طبق این دیدگاه هردو پاره انسان محترم است. از این رو معماری به تناسب هر یک باید شکل گیرد. هم جسم آسوده باشد و هم نفس در حال تعالی و رشد. معماری و شهر سازی باید بسترهای مناسب برای هر دو پاره را به وجود آورد. اما آنچه مهم است نفس انسان است. رعایت شان هر یک از این دو پاره در معماری خاک مناطق کویری ایران به خوبی نمایان است. خاک به توسط نقش سبک و نورانی شده است. معمار در پی آنست که نفس بنا را به توسط استعداد های جسم خاکی آن اعتلا بخشد.

جانث خاک است و خرد تخم گل و لاله خاک را تخم گل و لاله کند رنگین^{۱۳}

3- سازگاری سرشت انسان با طبیعت

انسان از دو بخش خاکی و غیر خاکی است. اما وقتی انسان است که شامل هردو بخش باشد. همانگونه که قبلا گفته شد یکی بدون دیگری انسان نیست. یعنی طبیعت و سرشت انسان با خاک آمیخته است. بعضی از اندیشمندان و عارفان مانند مولوی اصلا برای جسم اعتباری قائل نیستند و جسم را زندان روح و نفس می دانند. اما

^۸ ملاصدرا و امام خمینی معتقدند انسان دو تولد دارد یکی اجباری و طبیعی است مانند تمام موجودات طبیعی و تولد دوم مخصوص انسان است و اختیاری است. این تولد مرحله تولد انسان است. انسان طبیعی بصورت فطری و طبیعی توان تبدیل و تولد انسانی را دارد. به عبارتی انسان طبیعی بالقوه توانایی انسان شدن را دارد.

^۹ هو الذي انشأكم من نفس وحده - انعام 18 خلقكم من نفس وحده - زمر 6

^{۱۰} والي ريك منتهاها

^{۱۱} بني آدم اعضاي يك پيكرند که در آفرینش زیك گوهرند. سعدي عليه الرحمه

^{۱۲} عمید حسن. 1379. 1395

^{۱۳} دیوان ناصر خسرو



این نگرش در اندیشمندانی مانند حافظ، ملا صدرا و امام خمینی همانگونه که قبلا بیان شد متفاوت است. اینها معتقدند که بستر و رحم رشد انسان، طبیعت و ابزار رشد جسم است. کار جسم عمل است و میزان و معیار سنجش نیز عمل است. نفس بدون جسم توانایی عمل ندارد. معماری نیز اندیشه تنها نیست. صورتها سایه اندیشه معمار است. هر چیز که از دنیای اندیشه به دنیای صورت می آید چنین است. سنجش اندیشه معمار با عمل او امکان پذیر است. حرف نا گفته غلط ندارد. اما وقتی به دنیای عمل و صورت در آمد قابلیت بحث و نقد دارد. و توانایی بیان اندیشه را نیز دارد.

تو آب نئی خاک نئی تو دگری بیرون ز جهان آب و گل در سفری^{۱۴}

همانگونه که قبلا گفته شد جهان و هستی یک ابر سامانه است و هریک از اجزا این سامانه در ارتباط با یکدیگرند و رابطه آنها سلام و تکمیل است. **انسان با خانه خویش، خویش است.** او با خانه، طبیعت، و دیگر انسانها در خویشی است. باید با خویشان خویش قطع ارتباط نکند. صله ارحام^{۱۵} طبق اندیشه اسلامی نیز سفارش شده است. از این رو در قرآن سوره نور آیه 61 می خوانیم « فاذا دختلم بیوتا فسلموا علی انفسکم » وقتی به خانه خویش وارد می شویم بر خویشان خود باید سلام کنیم یعنی با خویشان خویش اظهار یگانگی و عدم دشمنی می کنیم (معنی سلام) و وقتی نیز کسی در خانه نیست هم سفارش شده به محض ورود به خانه به خود سلام کنید! آیا این معنی را نمی دهد که ما در یک سامانه واحد قرار داریم و بخشی از نفس ما با نفس خانه اشتراک دارد و حتی یکی است؟^{۱۶}

ارتباط طبیعت و معماری در دیدگاههای مختلف بسته به جهان بینی آنها دارد. در دیدگاه سکولار انسان و طبیعت رابطه یک طرفه دارند. «اساس ساختن، دست اندازی به طبیعت است. نوع این دست اندازی ارتباط بسیار نزدیک با طرز تفکر انسان در مورد طبیعت دارد. در بسیاری از فرهنگهای شرقی، ارتباط کاملا نزدیکی بین انسان و طبیعت وجود داشته و امروزه نیز گاهی این ارتباط به چشم می خورد. انسان خود را جزئی از طبیعت می دانسته و به این دلیل در ارتباطی چند گانه با آن بوده است. این ارتباط نزدیک، هم به انسان و هم به طبیعت امکان ادامه زندگی را می داده است. چنین ارتباطی بین انسان و طبیعت در جوامع غربی نیز وجود داشته اما بعدها جهان بینی مسیحی آنرا تغییر داد. این ارتباط دو گانه از طریق مسیحیت تبدیل به یک ارتباط مثلث شد. بر اساس این تفکر، خداوند طبیعت را خلق کرده و بشر با بستی از آن استفاده کند. در شرق آسیا آنچه خدایی بود علیرغم

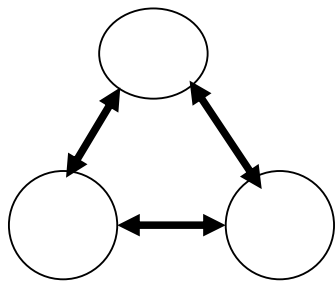
¹⁴ دیوان شمس - مولوی

¹⁵ رحم : بچه دان ، خویشی و قرابت، مهربانی صله رحم: محبت و سلوک داشتن با خویش و اقربا

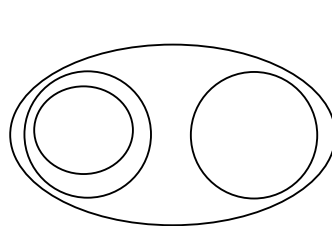
¹⁶ تفسیر اختصاصی - کشف الحقایق جلد 2 صفحه 589 سطر سوم « پس زمانیکه به هریک از منازل... داخل شدید به اشخاص که به منزله نفس خودتان است تحت پر برکت و پاک خدای را به آنها بفرستید به آنها سلام کنید.» در سطر هفتم می خوانیم « شخص اگر به خانه ای یا مسجدی داخل شد و در آنجا کسی نبود به این قسم (السلام علینا و علی عباد الله الصالحین) سلام کرده و سپس داخل شود. در تفسیر جامع جلد 4 صفحه 520 سطر 4 در این باره چنین نوشته شده است. « امام باقر فرمود هر گاه به منزل خود می روید اگر کسی در منزل باشد به او سلام کنید و اگر نباشد بگویید (السلام علینا من عند ربنا) چون چنین گوید پروردگار می فرماید تیه من عند الله مبارکه طیبه»



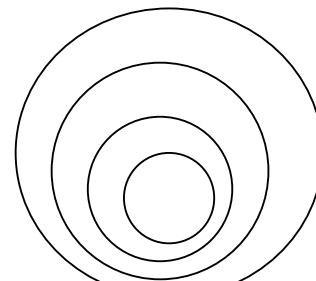
مافوق طبیعی بودنش در ارتباط نزدیک یا حتی در یگانگی با طبیعت قرار داشت» (گروتز / یورگ کورت/147/1383 و 147)



دیدگاه سنتی
سنتی



دیدگاه سنتی اسلامی
سنتی



در دیدگاه های متفاوت نوع برخورد با طبیعت متفاوت است مثلاً بعضی قائل به نظم در طبیعت نیستند و به اینکه این طبیعت ناظم و پدید آورنده ای دارد. از این رو برای طبیعت نه تقدسی قائل هستند و نه آنرا کامل می دانند. اما بعضی طبیعت را کامل و پدید آورنده آنرا حکیم می دانند^{۱۷} و آنچه را که طبیعی است کامل تر می دانند و از این روی در معماری سعی در تقلید از آنرا دارند. «به این ترتیب کاملاً طبیعی به نظر می رسد که در بسیاری از موارد مانند ساختمان، طبیعت برای بشر عنوان مدل و نمونه داشته باشد» (همان/148)

«انسان اغلب تصور می کند آنچه طبیعی است چه از نظر فرم و چه از نظر عملکرد به حدی از تکامل رسیده است که بهتر از آن قابل تصور نیست، حال آنکه چنین نیست. آدلوف پورتمان می گوید: ساده ترین فرم که به گونه ای کامل در خدمت عملکرد باشد و بسیاری از مردم آن را «طبیعی» خوانده، و ستایش می کنند در طبیعت کاملاً نادر است. آنچه بیشتر به چشم می خورد به خصوص در دنیای حیوانات چیزی فاقد این صفات است.» -اغلب به نظر می رسد که خیالبافی آزاد و یا حتی بازی های لجبازانه یک قدرت خلاقانه، در این آفرینش بیشتر دست داشته اند تا ضرورت های تکنیکی» (گروتز / یورگ کورت. 148.1383) البته شناخت ما نسبت به پدیده های طبیعت بسیار ناچیز است. لذا اظهار نظر قطعی در این باره بسیار مشکل و عجولانه به نظر می رسد. اما وجود هنرمندانی مانند برونلسکی، ژوزف پاکستون^{۱۸}، ویکتور اورتا، آنتونیو گاوودی، رایت، آلوار آلتو، لوکوربوزیه، ارو سارنین، کالاتراوا، کاتالانو، روبر مایا و ... هستند که از طبیعت به نوعی در معماری خود استفاده کرده اند نشان از آن است که، طبیعت می توانند منبع الهام برای معماری باشد.

در این رابطه نحوه قرارگیری ساختمان در محیط نیز می تواند به نوع نگرش معماران به طبیعت وابسته باشد. بطور مثال در معماری شرق معماری با طبیعت سعی در یکی شدن دارد. معماری با طبیعت هماهنگ است. اما در معماری و باغسازی انگلیسی رابطه تضاد و در معماری و باغسازی فرانسوی رابطه تقابل و در باغسازی چینی

^{۱۷} احتمال اینکه طبیعت بطور تصادفی بوجود آمده باشد درست مانند این است که یک لغت نامه کامل در اثر انفجار بوجود آمده باشد

^{۱۸} گروتز یورگ . 1383 . 149



رابطه تجانس است.^{۱۹} رابطه طبیعت و معماری در دیدگاه اسلامی، تکمیل است. رابطه طبیعت و معماری رابطه سلام است. از این رو انسان، طبیعت و معماری باهم یکی می شوند.

سلامت همه آفاق در سلامت توست
به هیچ عارضه شخص تو درد مند مباد^{۲۰}

4- معماری خاک سازگارترین معماری با طبیعت انسان است.

همانگونه که در بخشهای قبلی گفته شد انسان از خاک ایشا شده است و سپس به خاک باز می گردد. این صفت نیز در معماری و شهر سازی بومی ایران و معماری خاک دیده می شود. معماری و ساختمان در تعادل زیست بومی از مواهب طبیعی مانند نور و سایه، گرما و سرما، باد و آب خاک و خواص آنها به خوبی استفاده می کند. «شهر اسلامی به آرامی سر از خاک برمی دارد و از منابع طبیعت حداکثر استفاده را می کند و وقتی خالی از سکنه شد به آرامی به آغوش خاک برمی گردد» (نصر سید حسین 1375-57) این تجانس بین طبیعت انسان و معماری اسلامی و معماری خاکی سازگاری بین این معماری را با طبیعت و سرشت انسان مطرح می کند. انسان طبیعتش با خاک آمیخته است. او از عناصر طبیعی و خاکی بوجود آمده است. از این رو معماری خاک سازگارترین معماری با طبیعت انسان است. تردید در سلامت عناصر مصنوعی مانند کابلهای فشار قوی، رنگهای شیمیایی، میدان های الکترومغناطیسی، لامپهای فلور سنت، آزرستها، بتن و ... و استفاده از خاک در معماری در تحقیقات جدید در کشورهای پیشرفته بیانگر طبیعتی بودن خاک با سرشت انسان است. بازگشت به طبیعت فطری و طبیعی انسان در رابطه با معماری نیاز روز افزون جهان امروز است. انباشت بیش از حد زباله و نخاله های ساختمانی و آلودگی محیط زیست توسط انسان به جهت بدست آوردن محصولات صنعتی که هدف اصلی و ابتدایی آن راحتی انسان است به بلایی ویرانگر مبدل شده است. و این چیزی جز دوری از زندگی طبیعی نیست. «چرا منزل و ماوای بیشتر انسانها این قدر نفرت انگیز و زندگی تا به این حد ملال انگیز شده است که نوع انسان که بیش از هر عامل دیگری مسبب بحران محیط زیست است، ناگزیر به فرار از مناطقی شده است که خود او به بد نام کردن آنها دامن زده است و آلودگی را با خود به چند منطقه هنوز خوب مانده زمین ببرد تا آن اماکن را نیز به آلودگی بکشاند؟ چرا باید مصرف انسان این قدر زیاد باشد و به اصطلاح، نیازهای خود را صرفاً از نظر ظاهری اشباع کند. (نصر سید حسین. نقد و نظر 3.4 ص 206)

در معماری اسلامی (فطری و طبیعی) بین اجزا هستی هیچ گونه تضادی وجود ندارد اجزا در حال تکمیل هم هستند. میان امر زمینی و آسمانی تضادی وجود ندارد. آرامش حاکم بر معماری بر اثر همین رابطه است. «در معماری اسلامی هیچ چیز بیانگر جهد و تقلا نیست، نه کشاکشی هست و نه هیچ تضادی میان آسمان و زمین» (بورگهارت تیتوس 1376-139) رابطه اجزا معماری خاک نیز دارای رابطه تکمیل و سلام است. سلام یعنی بین من و تو هیچ تضادی وجود ندارد از این رو است که گفته می شود تمام هستی مسلمان است یعنی تسلیم در مقابل فرمان و اراده الهی است. و راه و روش تمام ادیان و هستی اسلام است.

¹⁹ گروتز یورگ کورت - 158-1382

²⁰ دیوان حافظ



من همی بینم بهشت اندر بهشت تو چه میبینی ، به غیر از خاک و خشت^{۲۱}

5- خاک به دلیل هم جواری با نفس انسان مقدس است.

در آن شهر دلکش یکی باغ ساخت که مشک و عییرش بود خاک و خشت^{۲۲}

طبیعت طبق دیدگاه سنتی جلوه و صورت بزرگ حکیم هستی است. تمام طبیعت نشانه و آیه اویند. و از طرفی بین تمام هستی پیوستگی وجود دارد.^{۲۳} زمین و آسمانها طبق این دیدگاه برای انسان کامل آفریده شده است. تا خلیفه وی در زمین باشد.

مقصود طبیعت آدمی بود از حیوان و نبات و ارکان^{۲۴}

به هر طرف که نگاه کنید صورت پرورگار دیده می شود.^{۲۵} و تمام ارکان هستی با اسما او قوام دارد.^{۲۶} و اختیار همه چیز در دست اوست. همان گونه که قبلا گفته شد تمام هستی مسلمان و تسلیم امر اویند و تمام هستی در حال سجده اویند و انسان نیز به اختیار و به انتخاب مشغول عبادت او و تمام زمین نیز عبادتگاه اوست.^{۲۷} از این رو زمین و طبیعت مقدس است. طبیعت در مقام ذکر و یاد آوری و آیه قدرت پروردگار است.^{۲۸} «پیامبر فرمودند که خداوند امت خود را مورد عنایت قرار داده و تمام سطح زمین را جایگاه عبادت او قرار داده است، معماری است که در اماکن پرجمعیت باید وضع صفا و آرامش را که همه جا در طبیعت یافت می شود از نو ایجاد می کند. «(بورکهارت - نصر. ارزشهای جاویدان هنر اسلامی 70) محل سجده اشرف مخلوقات و انسان کامل که افلاک به خاطر او آفریده شده است مقدس است^{۲۹} از این رو در معماری اسلامی زمین و فرش دارای تقدس است. نقوش روی فرش سایه نقوش گنبد است و معنای آن است که فرش سایه ای از عرش است.^{۳۰} «هرگز نباید فراموش کرد که نزد انسان غیر متجدد-خواه باستانی یا معاصر- کل ماده عالم دارای وجهی مقدس است.» (نصر سید حسین 1383-13)

گوهر تو زیور خاک آمده

ای ز ازل گوهر پاک آمده

تا تو برون آمدی ای دُر پاک^{۳۱}

چنبر نه چرخ بسی بیخت خاک

صد فتنه و شور در جهان حاصل شد^{۳۲}

از شبنم عشق خاک آدم گل شد

21 دیوان اشعار پروین اعتصامی

22 دیوان هاتف اصفهانی

23 حسن زاده آملی حسن . معرفت نفس

24 دیوان خاقانی شروانی

25 اینما تولوا فثم وجه الله

26 (و باسمائك التي ملئت ارکان کل شیئی) و همچنین (و مالک رقی) دعای کمیل امام

علی ع

27 بورکهارت تیتوس - نظری به اصول و فلسفه هنر اسلامی - ترجمه غلامرضا اعوانی 39

28 نصر سید حسین- هنر و معنویت -1375-17

29 همان ص 43

30 نصر سید حسین 1375-44

31 گزیده اشعار امیر خسرو دهلوی

32 دیوان شمس - مولوی



مسلمانان تقدس به خاطر خاک و جسم خاکی نیست این تقدس به خاطر وجود و حضور انسان پاک است. مصالح و صورتها به خاطر همجواری با نفس و جسم انسانهای مومن است که مقدس است.^{۳۳} آنچه باعث عمران مساجد می گردد وجود انسانهای با ایمان است. «هنر اسلامی، همتای هر هنر قدسی دیگر، صرفاً در مواد و مصالحی که به کار گرفته شده خلاصه نمی گردد بلکه به این می پردازد که مواد و مصالح مورد نظر چگونه توسط یک جامعه دینی خاص شکل پذیرفته و مورد استفاده قرار گرفته است.» (سید حسین نصر 1375-10)

گوهر پاک بپاید که شود قابل فیضی
ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود^{۳۴}

معمار مسلمان دارای معرفت شهودی و تجربی از مصالح بوده اند. استفاده از علم در معماری مشهود است. اسلام دین واقع گراست و مراتب بین جهان ماده و ملکوت را قائل است و هیچ یک از این مراتب را با هم خلط نمی کند. این جنبه در معماری بهتر از هر جایی مجال بروز دارد. با سنگ چون سنگ و با آجر چون آجر برخورد می شد.^{۳۵} «معماری اسلامی طالب غلبه بر سنگ، از طریق اسناد حرکتی صعودی به آن، آن چنان که هنر گوتیک می کند، نیست. تعادل ایستمند، متقاضی سکون است، اما ماده خام از طریق قلمزنیهای اسلیمی و کنده کاری به شکل مقرنس و حجره های کندو که با هزار بر یا سطح تراش خورده، نور می گیرند و سنگ و اندود گچ یا گچ بری تزیینی را به دُر و گوهر مبدل می سازند، به نوعی سبک شده و شفافیت یافته است.» (بورکهارت تیتوس. 1376-133)

معمار سنتی خاک را با عشق می آمیزد و از آن معماری می سازد. همانگونه که خدا انسان را چنین آفرید. معمار سنتی از معمار حکیم می آموزد درس حکمت را و آنرا در کار خود عمل می نماید. از این روست که با ورود به فضاهای سنتی گذشته روح معمار را می توان دید و درک کرد اما در جامعه سکولار امروزی با تولید چیزی شبیه به معماری سنتی می خواهیم کاری کنیم که از توان ما با قلب آلوده (توجه به غیر خدا) بر نمی آید. آنچه حاصل می آید، تقلیدی صوری از آنچه بوده است.

نام لیلی برآید اندر نقش
گر ببینند خاک معنون را^{۳۶}

آنم که توام ز خاک برداشته ای
نقشم به مراد خویش بنگاشته ای^{۳۷}

نتیجه:

- انسان از دیدگاه سنتی در پی وظیفه ای که دارد، موظف به عمران زمین است و کل هستی را یک ابر سامانه به هم پیوسته و مرتبط می داند.

³³ انما یعمر مساجد الله من امن بالله

³⁴ دیوان حافظ

³⁵ نصر سید حسین - هنر و معنویت اسلامی ترجمه رحیم قاسمیان نشر سوره 1375- صفحات

56 و 57 و 58

³⁶ گزیده اشعار امیر خسرو دهلوی

³⁷ شیخ ابو سعید ابی الخیر



- اصالت معماری خاک به واسطه نفس انسانها است و اصالت خود را از نفس انسانهای سازنده و استفاده کننده آن می یابد انسان دیدگاه وحدت گرا دارد و تمام هستی را به مانند یک پیکره واحد میدانند. بین انسان و محیط زندگی خود اتحاد قائل است.
- او ناچار به زندگی و ماندن به صورت موقت در زمین است. در این رهگذر از این موقعیت در پی رشد و تعالی نفس خویش است. او در تولد اولیه و طبیعی مجبور و در تولد دوم خود اختیار دارد.
- او در پی ساخت بهشت در زمین (دارالسلام) است. از این رو در معماری با پدیده های طبیعی در تضاد نخواهد بود.
- قداست زمین و طبیعت به خاطر وجود انسان کامل است.
- مصالح خاکی از نظر شکل و معنا و مفهوم با سرشت انسان سازگار است.
- انسان با خانه خویش، خویشی دارد.
- معماری خاک از نظر محیط زیست، سازگارترین معماری با طبیعت است.



سرچشمه ها:

- عمید. حسن. 1358. فرهنگ عمید. تهران. امیر کبیر. 1360. چاپ هجدهم. 2003. صفحه
حسن زاده آملی حسن معرفت النفس. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ هفتم 1381
دیوان اشعار ناصر خسرو، امیر خسرو دهلوی، هاتف اصفهانی، خاقانی
مولوی مثنوی معنوی و دیوان شمس
ابوسعید. ابوالخیر. سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر. (پدید آورندگان نفیسی. سعید) ناشر کتابخانه سنایی. 1369. 200ص
تیتوس بورکهارت. هنر مقدس. مترجم جلال ستاری. سروش. چاپ دوم 1376
تاجدینی علی. مبانی هنر معنوی (مجموعه مقالات) سوره چاپ دوم 1376
اعوانی غلامرضا. حکمت هنر معنوی (مجموعه مقالات) گروس. 1375
فصلنامه نقد و نظر. شماره سه و چهار
نصر سید حسین. هنر و معنویت اسلامی. ترجمه رحیم قاسمیان. سوره 1375
نصر سید حسین. انسان و طبیعت (بحران معنوی انسان متجدد) ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. چاپ دوم 1383. 216 صفحه
شمس الدین محمد (معروف به حافظ شیرازی). دیوان حافظ. (از نسخه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی) مقدمه فریدون مشیری. تهران. انتشارات ارغوان.
1375. 439ص
لوح فشرده جامع التفاسیر قرآن کریم. 538 جلد. 59 سلسله تفاسیر. 18 ترجمه فارسی. 250000 صفحه
لوح فشرده درج 2. کتابخانه الکترونیک شعر فارسی. مهر ارقام رایانه. شامل دیوان کامل اشعار 35 شاعر. نیم میلیون بیت
لوح فشرده دانشنامه جامع نهج البلاغه. مرکز مطالعات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان
طباطبایی. محمد حسین. تفسیر المیزان. بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبایی 1364
گروتور یورگ کورت. زیبایی شناسی در معماری. جهانشاه پاکزاد و همکار. تهران. دانشگاه شهید بهشتی 1383

Clay architecture is adaptability with human natural

by: Yadolah Ahmady Disfani*

Abstract:

Natural structure of human is clay. The human nature obtained from clay, then return to nature and change to clay such as the clay building structure. This mater is cussed that *adaptability* between *Clay architecture* and *human nature*. In this essay I tries to explain this mater from *tradition* view. In this view all of thing in nature and the world is under a *hyper system*. There is *related* and *relationship* between nature, nature elements and peoples and etc. There is *UNITY* between nature and human nature. In other word, unity at all of to be.

Key words: clay architecture, nature, tradition human, tradition architecture, adaptability.

yad1345@gmail.com*

yad1345@yahoo.com

M.S architecture and PHD student IAU branch Since and Research

IAU RUDEHEN branch Staff